

کارگران جهان متحد شوید

شعار "کارگران جهان متحد شوید!" متجلی عمق بینشی است که از تحلیل عوامل عینی و ماهیت نظام به شدت غیرانسانی سرمایه‌داری، سر بر افراشته و یگانه آترناتیو ممکن برای پایان دادن به مناسبات مبتنی بر کارمزدی است؛ مناسباتی که رنج بیکران و مشقت گسترده ای را بر اکثریت عظیم انسانها، که جز فروش نیروی کار شان امکان دیگری برای زنده ماندن ندارند، تحمیل کرده است.

تجسم ماهیت نظام سرمایه‌داری را در یک بعد گسترده می‌توان در بربریت که به بشریت تحمیل کرده است دید. در هر جا که فقر و سیه روزی گسترده وجود داشته باشد، امنیت نباشد، زورگویی حاکم باشد و ثروت و سود معیارسنجش انسانیت باشد جنگی در جریان باشد، این ماهیت به شکل عریان و بارزی تجسم می‌یابد. معالوصف و با تأسف با همه این زشتی‌ها و انزجاری که اکثریت افراد جامعه از آن دارند، سرمایه‌داری همچنان اداره زنده‌گی و اراده انسانها را در دست دارد.

این امر تصادفی نیست. دلایل عینی ای وجود دارند که امکان کنترل اراده انسانها را به دست صاحبان سرمایه ممکن ساخته و می‌سازد. یکی از آن دلایل ایجاد و القاء حس کاذب "منفعت جمع" توسط بورژوازی در میان آحاد جامعه است. شیوه ای که بر ایجاد احساس تعلق جمعی و مالکیت کاذب به یک پدیده و یا یک شی، در میان افراد جامعه استوار گردیده و می‌کانیسمی ایجاد می‌نماید که انسانها را وادار به گذشتن از حقوق و منافع فردی شان به نفع منافع یک سیستم و موسسه ای می‌نماید که در واقع در برابر آنها قرار داشته و با زیر پا گذاشتن منافع و حقوق اکثریت جامعه به ثروت و مکتب می‌رسند. به همین سبب است که بورژوازی در طول تاریخ دولت و منفعت طبقاتی خودش را دولت و منفعت همگانی قلمداد کرده است و از ابزارهای مشرعیت دهنده و توجیه کننده ایدئولوژیک استفاده برده است. یکی از این ابزارها که از پوتانسیل وسیعی برای تخدیر افکار و ذهنیت مردم برخوردار می‌باشد، دین است. دین با اعلام رسمی تقدس مالکیت، همه آلام و نا برابری های انسانها را محصول اراده خدا دانسته و رنج کشیدن و دم زدن را صفت برتر افراد مومن معرفی کرده که در بهشت پاداش شان را در می‌یابند. و یا می‌تواند روابط خونی و تعلقات تباری و در ابعاد بزرگتر پدیده چون میهن مشترک، منافع ملی و ناسیونالیسم به عنوان ابزاری برای تسلط و کنترل اذهان آحاد جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

سرمایه داری به این ترتیب توانسته است با ایجاد هویت های کاذب و اندیشه "منفعت جمعی"، هویت های واقعی انسانها را که از رابطه انسانها با وسایل و مناسبات تولید شکل می‌گیرد، از آنها بر گرفته و با تحمیل خصوصیات و هویت های غیر واقعی به آنها، تحقق شعار "کارگران جهان متحد شوید" را به تعویق افکند. و علی الرغم افشا شدن وجوه تخریبی عظیم نظام سرمایه‌داری که بی مهابا از انسانها قربانی گرفته هر روز بیشتر از گذشته نکبت آفریده و حتی موجودیت کره زمین را به مخاطره می‌اندازد، کماکان به حیات نفرت انگیزش ادامه دهد.

در پهلوی این ترفند آگاهانه سرمایه داری در کنترل و سمت و سو دادن ذهنیت ها که اسلامیزه کردن حیات اجتماعی، قدسیت بخشیدن به تعلقات نژادی و تباری، بخشی از آن است، کنش هر دو نحله چپ (که در نشرات ما قبلاً با تفصیل به آن پرداخته شده است)، و تصویری که در اذهان مردم از جنبش های کارگری و سوسیالیسم، شکل گرفته است، تأثیر بسیار ناگوار و باز دارنده ای در ایجاد یک جنبش اجتماعی که بتواند منافع طبقه کارگر را منعکس نماید، به جا گذاشته است.

معضل با تأسف محدود به دو پدیده فوق الذکر نیست. نهادها و مجامع سوسیالیستی کارگری با آن که توانسته اند ماهیت احزاب و سازمان ها و تعلقات طبقاتی، بینش و افق دید آنها را تحلیل نموده، جایگاه و منافع طبقاتی آنها را آشکار سازند، اما خود نتوانسته اند یک رابطه دینامیک، طبیعی با طبقه کارگر، که ادعای تعلق اجتماعی و طبقاتی به آن را دارند، ایجاد نمایند و در جایگاه یک گرایش سوسیالیستی کارگری زمینه شکلگیری و ایجاد حزب طبقه

کارگر را فراهم سازند تا باشد که طبقه کارگر متحذب با آترناتیو کارگری، در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی بالفعل و بالقوه در جامعه ظاهر گردد.

در نبودن یک چنین حزبی است که جناح های مختلف دولت وحدت ملی و همکاران بین المللی آنها در قالب نیروهای ناتو و احزاب جنایتکار جهادی فرصت می یابند، با تلاش های همسو و برنامه ریزی شده برنامه صلح با طالبان، هژمونی دین را برای کنترل و تخدیر اذهان مردم، در جامعه گسترده تر نموده و همزمان از توده های فرودست به دلیل آنکه "صلح" را برای آنها به ارمغان خواهند آورد، توقع دارند از بخشی از حقوق و آزادی های خود، به نفع "صلح" بگذرند. بی دلیل نیست که در این شرایط بحث حجاب داغ می گردد، مولوی ها فرصت می یابند با استفاده از وسایل ارتباطات جمعی در باره محاسن ریش تبلیغ کرده و متخلفین را با مجازات سر بریدن و یا بریدن گلوی شان با چاقوی گند، مرعوب نمایند. حتی کسانی که به عنوان فعال مدنی و مدافع حقوق زنان معرفی می گردند، بی حجابی را معادل ترویج فحشا در جامعه دانسته و بر له آن تبلیغ می نمایند. در این رابطه برای کسب مشروعیت از مردم، با تشکیل "لویه جرگه مشورتی صلح" متشکل از برخی تحصیل یافته ها، متنفذین، آخندها و جنگ سالاران "منتخب" و گماشته شده در "جرگه" ای که میراثی از دوران فیودالی و ملک الطوایفی است، قانونیت بیخشند؛ حاکمیت و حامیان جهانی آنها بیشرمانه به شعور و آگاهی مردم توهین نموده و تلاش می نمایند برای تحقق سیاست ها و استراتژی های شان و ادامه اقتدار ساسی دولتمردان، سیر زنده گی را به قیمت از دست دادن آزادی و حق انتخاب و تحقیر انسان ها، به عقب بر گردانند.

با این همه ممکن نیست رویای رسیدن به یک زنده گی انسانی و ایجاد جهانی که در آن از جنگ، کشتار و نابرابری اثری نباشد، را از ذهن کارگران زدود. تجلیل از اول می، روز همبستگی جهانی کارگران، برای تجدید پیمان مبارزه هدمند کارگران با شعار کارگران جهان متحد شوید، برای سرنگونی سرمایه داری که با تمرکز به کسب بیشتر ثروت، انسان و انسانیت را به حاشیه رانده است، گواه این امر است. فرودستان، ماهیت دموکراسی را در عمل، که چیزی نیست جز یک دیکوراسیون برای مشروع ساختن بربریت سرمایه داری، درک کرده اند و می دانند که دموکراسی کاربردی فراتر از توجیه منافع سرمایه داران ندارد. تجلی واقعیت دین هم در جنایات روزمره اسلامیت ها که طالبان بخشی از آن ها است، مشهود است. کشتار انسانها در سریلانکا که گفته می شود در تلافی کشتار در نیو زیلند صورت گرفته باشد، تجسم دیگری از وحشت دین است. غلت زدن های سیاسی، تشکیل و از هم پاشی ائتلاف با کسانی که در زمان نه چندان دور، بدترین دشمن معرفی می شدند، برای رهبرانی که با توسل به قوم و تبار در تلاش حفظ موقعیت، قدرت و ثروت باد آورده شان هستند، دیگر آبرویی برای آنها باقی نگذاشته است. کوتاه اینکه همه واقعیت های جاری جامعه از قبیل ادامه جنگ فرسایشی و کثیف، عدم موجودیت امنیت، بیکاری گسترده، تضادهای عریان میان قدرتمندان در حاکمیت، شکاف عمیق طبقاتی و فقر بیکران، با آنکه توسط بازیگران بین المللی لاپوشانی می گردند، وضعیت فوق العاده شکننده ای ایجاد کرده است، که می تواند با اشتراک مساعی و تحزب کارگران، در فرایند مبارزه شان زمینه ایجاد دنیای زیبا، فارغ از تبعیض و نابرابری برای اکثریت مردم فراهم گردد.

با درک اهمیت بسیار عظیم تشکل و جنبش فعال کارگری ناشی از آن، بی تردید، تشکیل حزب قدرتمند کارگری در اولویت کار سازمان ها و نهاد های کارگری قرار می گیرد. و به این گونه قدرت بالقوه شعار "کارگران جهان متحد شوید!"، فعلیت می یابد و برگشت انسانیت به انسانها را ممکن می گرداند.

سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان در راه تحقق این اندیشه، دست هر فرد مبارز و تشکل های رزمنده کارگری را با صمیمت و گرمی می فشارد.

به پیش در راه تحقق اتحاد کارگران برای ایجاد حزب سوسیالیستی کارگری!